

دکتر علی قائمی

مقدمه

در مجموعه مطالبی که در باره اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، عرضه می شود، دو سلسله مباحث مبنایی را مورد عنایت قرار می دهیم:

- ۱- اصول و مبادی فکری نگارنده در عرضه این بحث
- ۲- پایه های تربیت اسلامی که طبعاً حاصل و نتیجه آن به بحث نماز کشانده شده، اصول و ضوابطی در جنبه اجرا قابل طرح است که باید ارائه شود.

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی



الف - تکیه گاه بحث نگارنده

در این مبحث سعی خواهیم داشت که به خواست خداوند به نکات مهمی که ذیلاً عرضه می شود توجه کنیم:

۱- اصول و مبادی نظام فکری اسلام، لااقل براساس آنچه که من در طول مدت عمر و مطالعاتم از اسلام برداشت کرده‌ام و البته این برداشت جدای از درک، استنباط و نوشته‌های بزرگان و راهنمایان مذهب نیست.

۲- مبانی و اصولی که از دانش روان‌شناسی، مخصوصاً روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی یادگیری در دست و مورد استناد بزرگان و صاحب‌نظران این علم است و من سالهای سال است که در این زمینه‌ها تحصیل، مطالعه، بررسی و تدریس داشته و دارم.

۳- استنباط و تجارب شخصی من که محصول عمری نسبتاً طولانی و ۵۸ ساله است که حدود ۳۴ سال آن در انجام وظیفه معلمی و مخصوصاً چند سال آن در کلاس اول ابتدایی گذشته است، آن هم در نقطه‌ای نسبتاً محروم و در ارتباط با کودکانی که بسیاری از آنان در خانواده‌هایی نابسامان و آشفته رشد یافته بودند و من سعی داشتم برنامه نماز را در باره آنان به مرحله اجرا درآورم.

۴- کار مستقیم و عملی من در باره فرزندانم، در ارتباط با واداشتن آنها به نماز، از همان دوران خردسالی که گمان دارم در آن مسیر مرتکب خطا و اشتباهی نشده‌ام و وظیفه پدری خود را لااقل در این قسمت خوب انجام داده و نماز را به صورت فریضه‌ای عملی و بدون احساس کراهت از جانب آنان، به آنها قبولانده‌ام.

۵- پژوهش مختصر تجربی و علمی من هم که اغلب با همراهی دانشجویانم درمقاطع

مختلف تحصیلی صورت گرفته، می‌تواند در این مورد قابل ذکر باشد که به هر حال مویی در ساختن ریسمانی بلند است.

ب - پایه‌های تربیت اسلامی

بدون شک پایه‌های تربیت اسلامی بر اصولی استوار است که منابع آنها به شرح زیر است:

۱- قرآن که اساسنامه حیات و موجودیت اسلام و اصیل‌ترین و مستندترین منبع، در همه زمینه‌های فقهی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و تربیتی است.

۲- سنت که شامل قول و فعل و تقریر بوده، نقش آن تسمین آیات و احکام و در واقع اساسنامه عملی اسلام می‌باشد و در تربیت که دازای جنبه اجرا و عمل است، مورد استفاده و کاربرد زیادی است.

۳- اجماع که اتفاق علمای اسلام درباره مسأله‌ای است که نقصی از کتاب و سنت برای آن نیست و به شرطی که کاشف از قول معصوم (ع) باشد برای ما مورد استفاده است.

۴- عقلی که راهنمای ما در امور جاری، و پیامبر درونی هر انسان است و خدای به وسیله آن حجت خود را بر مردم شناسانده و به شرطی که مابین با قرآن و سنت نباشد مورد استفاده ماست (ان الله على الناس حجتین، حجة ظاهرة، حجة باطنه، فاما الظاهره فالانبياء(ص)، والرسل(ع)، و الاثمه(ع)، فاما الباطنه فالعقول - امام کاظم (ع)).

البته در تربیت اسلامی افراد و هدایت آنان به سوی کمال و سعادت، اصل الهام از فطرت آدمی و از نظام طبیعت و آفرینش و نیز اصول دیگر برآمده از دین و علم مطرح است که در

متن بحثم بدانها خواهیم پرداخت.

تنهی عن الفحشاء والمنکر

۶- جنبه حالت آفرینی آن و ذکر آرغنی یا بلال پیامبر و باتغییر رنگ امام سجاده(ع) در موقع نماز به خاطر احساس حضور در پیشگاه خداوند (احیاء اسلام - غزالی)

۷- محبوبیت آن در نزد رسول خدا(ص) که فرمود اَتَىٰ أَحَبَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ ... وَ قِرَّةٌ عِینِ الصَّلَاةِ

۸- بعد سیاسی آن از قیام و قعودها، قیام آفرینی ها و شعاردهی های آن

۹- نظم آفرینی و حیات بخشی آن که نماز در اوقات ثابت و معینی به مرحله اجرا در می آید و این خود درسی برای نظم و سامان داری در زندگی است، هم در جنبه ظاهر زندگی وهم در جنبه باطن و درون آدمی.

۱۰- احساس وصل و احساس قدرت: زیرا که نماز عامل قرب و وابستگی به معبود است؛ عامل اتصال به قدرت بی نهایتی است که همه قدرتها نشأت گرفته از قدرت او و در برابر توان مطلق او هیچ و بوجند. اتصال و پیوند با خدا می تواند به انسانها قدرت ببخشد، به گونه ای که در برابر دیگر قدرتهای زائل شدنی سرتسلیم فرود نیاورد و راه خود را درست و باقادی برافراشته ادامه دهد. در عین حال اتصال به معبود بی نهایت و راز و نیاز با او در حال ذکر، قنوت و سجده های نماز عامل سکون و آرامش دل است و چه بسیارند اضطرابات و اساس ناامنیها که بر اثر آن از بین می روند.

۲- گیرنده پیام

گیرنده پیام نماز کیست؟ گیرنده پیام نماز در بحث من کودک و نوجوان است، اما کودک

طرح مباحث

دای اینکه قالب بحثم معین باشد، کل عرایضم را در ۱۲ قسمت به شرح زیر تقدیم خواهم کرد که عبارت است از: پیام نماز، گیرنده پیام، فرستنده پیام، در کیفیت القای نماز، شرایط القاء، نحوه تمرین و عمل، القات لازم، آغاز دعوت و تمرین، راهنمای ما در اجرای نماز، در امکان پذیرش، قواعد و مراقبتها و پرهیزها. و ما اینک به بحث و بررسی مختصر در باره هر کدام از آنها می پردازیم:

۱- پیام نماز

در این زمینه مباحث بسیاری قابل عرضه است که هر کدام در خور بحثی جداگانه می باشد و ما را در این امور قصد ورود نبوده، تنها ذکری از آنها به میان می آوریم و طرح و تکمیل آن موضوعات را به دیگران وامی گذاریم:

۱- در مورد وجوب نماز، که قرآن بدان تکیه دارد: ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً

۲- در مورد روح نماز، که خدا می فرماید: اقم الصلوة للذکری، و در آن یاد خدا، انس با خدا و احساس حضور مطرح است.

۳- بعد ملکوتی نماز، که آن را معراج مؤمن ذکر کرده اند: الصلوة معراج المؤمن.

۴- اهمیت و عظمت آن که قرآن الفجر است و در حدیث نبوی: ان قبلت قبل ماسواها وان رددت ردّ ماسواها

۵- جنبه سازندگی و بازدارندگی: ان الصلوة



بحث سعی داریم از شرایط و جو فکری و روانی کودک در هر دوره برده برداریم.

۱- دوران پرستاری:

به نظر ما این دوره شامل زمان ولادت تا پایان سه سالگی است. مرحله‌ای است که کودک در آن موجودی کاملاً وابسته است و بخش اعظم عمر و اوقاتش را در آغوش مادر و یا در کنار او می‌گذراند. در این دوران از نظر ویژگیهای سنی مسائلی مطرح است که اهم آنها بدین قرار است:

- حیاتش کاملاً اتکالی است و تنها در اواخر این دوره است که تا حدودی می‌تواند از خود رفع نیاز کند.

شدیداً تلقین پذیر است تا حدی که می‌توان بسیاری از بدیهیات را در برابر او وارونه جلوه داد.

- بعد انفعال، پذیرش و رنگ‌پذیری در او قوی است. زود می‌پذیرد، زود رد می‌کند و زود تحت تأثیر القاء قرار می‌گیرد.

کیست؟ نوجوان کیست؟ اخذ پیام نماز برآنان واجب است یا مستحب؟ نماز برای آنان جنبه الزام دارد یا تشریفات؟ و اینها سؤالاتی است که باید برایشان پاسخ عرضه کرد.

الف - کودک به چه کسی می‌گویند؟ به آن کس که حیاتی اتکالی دارد، تحت حضانت و ولایت دیگران است، تازه به دوران رسیده است، القآت و تلقینات دیگران در او شدیداً مؤثر است، از خود طرحی، فکری و بینشی شناخته شده و منسجم ندارد، به شدت رنگ‌پذیر و دارای جنبه انفعالی است، بسیار انعطاف پذیر است، در مسیر تشکیل و تکوین شخصیت است و ... و چنین فردی در مرز سنی تولد تا ۱۱ سالگی است که از نظر من خود شامل چهار مرحله محدودتر است: دوران پرستاری یا کودکی اول، دوران کودکی دوم، کودکی سوم و کودکی چهارم.

ما با استفاده از ویژگیهای فطری، طبیعی و روان‌شناختی کودک در هر مرحله، به بررسی مسأله پرورش دینی او می‌پردازیم و در حین

شرایط ذهنی و روانی کودک به گونه‌ای است که نسبت به هر رفتاری حساس است، هر حرکت و جنبشی توجه او را به سوی خود جلب می‌کند و حتی در مواردی بسیار، کنجکاوی او غیرارادی است و این هشداری برای والدین در مراقبت از روابط خویش است.

- دوران صید اطلاعات و عشق به این صید است. کودک دوست دارد با حرصی شدید چیز بیاموزد و به همین نظر به هرکجا سر می‌کشد و به هر بحث و سخنی گوش فرا می‌دهد.

- قدرت دریافت و گیرندگی در کودک قوی است، به‌ویژه که حافظه‌ای توانا دارد. زود می‌تواند حفظ کند و زود می‌فهمد، و به همین دلیل با همه تصوری که والدین از نادانی او دارند، بسیاری از چیزها را می‌داند و می‌فهمد.

- حیات در کودک صورتی فعال دارد و با تمام قوا، در همه‌گاه در حرکت است. می‌دود، بدون اینکه دلیلی روشن برای دویدن داشته باشد، می‌جهد بدون اینکه توجیهی برای آن داشته باشد و سراسر وجود او انرژی و حرکت است.

- دوران عشق و محبت به والدین، مخصوصاً به مادر است. ممکن است کودک گاهی نسبت به مادرش موضع پرخاشگرانه بگیرد، ولی اگر بواقع دریابد که مادرش از مرضی درد می‌کشد و یا می‌خواهد بمیرد، منقلب می‌شود و حتی ممکن است اشکش سرازیر گردد. او مادر را دنیای خود و همه چیز خود می‌شناسد.

- شدیداً مقلد است و دامنه تقلیدش دائماً وسیع می‌شود. از همه کس تقلید می‌کند، از پدر، مادر، روحانی، پزشک، تزییق‌کننده آمپول، لباس فروش، آب حوضی، فقیر و...
- به دنبال یافتن الگوهاست و نقش مدلها در

- حواسش همچون درجه‌هایی است که جهان داخل و خارج را بدون تحلیل و بررسی به هم مربوط می‌سازند. چشم او نقش دوربین عکاسی را بازی می‌کند که از همه صحنه‌ها و جریانات عکس بر می‌دارد. گوش او نقش دستگاه ضبط صوت را بازی می‌کند که هر چه را بشنود ضبط می‌کند، اگر چه مفاهیم آن را در نیابد. و به همین ترتیب است نقش دیگر حواس او که همچون گیرنده‌هایی هستند که تصاویر و کیفیت جهان خارج را به درون وجود می‌برند و مجموعه یافته‌های حسی در خزانه ذهن او ضبط و نگاه‌داری می‌شوند و بسیاری از آنها پایه‌های پیش و جهان بینی حال و بعد کودک را تشکیل می‌دهند و برخی از آنها هم زمینه‌ساز فراگیریهایی سریعتر مباحث مشابه در مراحل بعدی عمرند.

- توان تقلید از ماه چهارم ولادت به صورت بسیار ضعیف در کودک ظاهر می‌شود، ولی در پایان این مرحله شدیداً قوت می‌گیرد. کودک دوست دارد از والدین و مخصوصاً از مادر و بعدها از پدر خود تقلید کند. به اعمال عبادی مادر، به خم و راست شدن او، در حین نماز حساس است. دوست دارد چون او عمل کند، همانند او لب بجنباند و ذکر بگوید و این خود یک فرصت مقدماتی برای دعوت به تقلید نماز است. او بتدریج از ماه ششم ولادت، رفتار پدر و دیگر اطرافیان را زیر نظر می‌گیرد که آنها هم مایه‌های تقلید بعدی کودک را فراهم می‌سازند.

۲- کودکی دوم (۴-۷ سالگی)

- دوران کنجکاوی شدید و سر درآوردن از حرکات، فعالیت‌ها و تلاشهای دیگران است.



او بسیار نیرومندانه اثر می‌گذارد. اگر فردی به عنوان قهرمان، یا انسانی برتر در دل او جا کند، سعی خواهد داشت رفتار خود را با او تطبیق دهد.

- مرحله اعتماد و اطمینان است، اطمینان به پدر، به مادر، و به هرکس که به او محبتی کند. در آن صورت هر سخنی که از آنها بشنود برای او وحی منزل است و به صواب و درستش می‌پندارد.

- مرحله سلوک متعادل است و کودک می‌رود تا تدریجاً زندگی را عقلانی کند و در سنین ۶ و ۷، والدین کودک خود را نسبتاً فردی معقول و در خور امر و نهی می‌یابند.

- در اواخر این مرحله کودک به سن تمیز می‌رسد، دنیای متفاوت زن و مرد را می‌شناسد و سعی دارد حیات خود را رنگی مردانه یا زنانه بخشد. و نیز از بسیاری از مصداق‌های خوبی و بدی سر در می‌آورد و این امکان در او وجود دارد که تحت کنترل رسمی در آید.

- وجدانش به تدریج بیدار می‌شود تا حدی که گاهی ممکن است از عمل ناروای خسود شرمنده گردد و این عامل مهمی برای خود کنترلی است، البته به شرطی که تحت هدایت و مراقبت قرار گیرد.

- میل به همانندسازی در او قوی است. دوست دارد مثل پدر یا مادر باشد. اگر پدر یا مادر را اهل عبادت و نماز ببیند دوست خواهد داشت چون آنها عمل کند و اگر آنان تارک الصلوة و یا به نماز بی‌اعتنا باشند، او هم آنچنان خواهد شد.

- مرحله تشکیل خود و تکمیل و استقلال شخصیت است. کودک برای خود کسی است. به گفته عالمی او یک فیلسوف کوچولو است،

برای خود رأی و نظری دارد و می‌خواهد رأی خود را به کرسی بنشانند و در حد خود دارای یک بینش و جهان‌بینی است.

- کودک در این مرحله مصداق عنوان سریع‌الرضای خداوند است. زود راضی می‌شود، زود از قهر به آشتی روی می‌آورد، در میان‌گریه می‌توان او را خندانند و در وسط خنده می‌توان به گریه‌اش انداخت، و این خود زمینه‌ای برای اثرگذاری در کودک است.

ادامه دارد